

تاریخ



# گزارشی از تألیف کتاب‌های مهدوی در حوزه علمی حله

مافا فرزانه\*

### چکیده

این نوشته در ادامهٔ سلسله مقالات بررسی تألیفات در موضوع مهدویت، به بررسی تألیفات در دوره حوزة حله می‌پردازد. شهر حله از آن زمان که به دست سیف‌الدوله امیر بنی‌مزید در سال‌های ۴۳۹ تا ۴۹۵ قمری بنیان‌گذار شد، مرکز شیعیان، فقیهان، دانش‌مندان و شاعران دل‌باختهٔ شیعی بوده است. شهر بغداد در حملهٔ هلاکوخان به عراق، به تصرف مغولان درآمد و تاراج گردید. در این میان، شهر حله با تدبیر و حرکت سنجیدهٔ علمای بیدار دل و تدبیرگر، از هجوم وحشیانهٔ مغولان در امان ماند و به دلیل امنیت حاکم بر شهر و حضور عالمان، فقیهان و دانش‌مندان پرآوازه، مرکزیت علمی بغداد به حوزة حله سپرده شد و این حوزة در طول قرن‌های ششم تا نهم قمری مرکز حوزة‌های شیعه نام گرفت. تألیفات مهدویت در این دوره کمتر از دوره‌های قبل و بعد بوده است؛ زیرا به رغم آن که حاکمیت دولت‌های شیعی، آرامش و آزادی نسبی را برای شیعیان به ارمغان آورده بود، حکومت تازه شیعه شدهٔ مغول‌ها، به تبلیغ و ترویج مبانی فکری، عقیدتی، فقهی و کلامی بسیار نیازمند بودند و شبهه‌های کلامی مجال را از عالمان برای پرداختن به مهدویت گرفته بود. از سویی، گسترش مدعیان دروغین مهدویت و فرقه‌های آنان، پرداختن به مهدویت را در این دوره بسیار ضروری می‌نمود. در این باره تنها هفده کتاب از شیعیان و ۳۳ کتاب از علمای عامه این دوره به یادگار مانده است.

### واژگان کلیدی

حله، مهدویت، سیف‌الدوله، هلاکوخان، ملاحم و فتن، اخبار غیبی، علمای شیعه، علمای عامه.

مقدمه

سیف‌الدوله، صدقه بن منصور مزید اسدی در سال ۴۹۳ قمری سرزمین حله را (که نی‌زاری بیش نبود) آباد کرد و در سال ۴۹۵ قمری قبیله بنی‌اسد را در آن منطقه جای داد. این شهر از بهترین و زیباترین شهرهای عراق در زمان سیف‌الدوله گردید.<sup>۱</sup> آن‌گاه که سیف‌الدوله به شهر حله پا نهاد، پایه‌های شهر فقهت را پی ریخت و دیوارهای آن شهر را با محبت و عشق علی و فرزندان وی برافراشت. دولت شیعه بنی‌مزید در آن زمان در این منطقه درخشید.

امیر سیف‌الدوله از طایفه بنی‌اسد و شیعه به شمار می‌رفت. وی که به رشد اقتصادی، فرهنگی و نشر قسط و عدل در جامعه اهمیت می‌داد، بذر دانش و فرهنگ را در سرزمین مقدس حله کاشت. او با بخشش‌های بسیار و رعایت حقوق دانش‌مندان، زمینه جذب دانش‌مندان و شاعران را فراهم کرد. بر اثر سیاست‌های وی طالبان و شیفتگان علم از هرسو آهنگ حله کردند.<sup>۲</sup>

چگونگی تأسیس شهر حله و اوصاف بنیان‌گذاران آن در روایتی از حضرت علی ذکر شده است. چنان‌که اصیغ بن نباته روایت می‌کند، حضرت علی در راه برگشتن از جنگ صفین، بر فراز تپه‌ای ایستاد و با اشاره به پیشه و نی‌زاری میان بابل و آن تپه فرمود: «این‌جا عجب شهری است!» عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! از شهری سخن می‌گویید! آیا در این‌جا شهری بوده و اکنون آثار آن از بین رفته است.» فرمود: «خیر! در این‌جا شهری به وجود می‌آید که آن را حله سیفیه می‌گویند و مردی از تیره بنی‌اسد آن را بنیان‌گذاری می‌کند و از آن‌جا مردمان پاک‌سرشت و خداجوی پدید می‌آیند که در پیش‌گاه خداوند مقرب و مستجاب‌الدعوه هستند.»<sup>۳</sup>

بدین‌سان براساس خبر غیبی، شهر حله در میان سال‌های ۴۹۳ تا ۴۹۵ قمری به وسیله سیف‌الدوله بنا، آباد و به حله سیفیه و مزیدیه مشهور شد.<sup>۴</sup> پیش‌رفت حوزه علمی حله (که در قرن ششم و هفتم و پس از آن، علمای نام‌داری را تقدیم عالم تشیع کرد)، در پی رخ نمودن اخبار غیبی و ملاحم و فتن آغاز گردید؛ آن‌گاه که سرانجام پیش‌گویی حضرت امیر به وقوع پیوست. هلاکوخان مغول، در سال ۶۵۶ قمری آهنگ عراق نمود و شهر بغداد را تصرف و تاراج کرد که به رغم آن، حله و برخی شهرهای مقدس عراق با تدبیر علمای بیدار دل و با کمک اخبار غیبی حضرت علی از هجوم وحشیانه مغولان به دور ماند. علمایی چون یوسف بن مطهر، سید مجدالدین (فرزند طاووس) و ابن ابی‌العزّرد هم آمدند و سرانجام به خان مغول نامه‌ای نوشتند: «همه ما تسلیم و امنیت و آسایش را خواهانیم.» هلاکوخان از یوسف بن مطهر، علت آن را جويا شد. یوسف بن مطهر جواب داد: «اهتمام ما به این کار براساس روایتی از مولایم علی است. آن روایت، پیروزی شما و از بین رفتن عباسیان را خبر داده است. در چهره و ظاهر شما اوصافی را یافتیم که در سخنان علی آمده و یقین کردیم که اگر با شما از در دوستی درآییم، ایمن خواهیم بود و بدین‌سان نزد شما آمدیم.»

شهر حله در میان سال‌های ۴۹۳ تا ۴۹۵ قمری به وسیله سیف‌الدوله بنا، آباد و به حله سیفیه و مزیدیه مشهور شد.<sup>۲</sup> پیش‌رفت حوزه علمی حله (که در قرن ششم و هفتم و پس از آن، علمای نام‌داری را تقدیم عالم تشیع کرد)، در پی رخ نمودن اخبار غیبی و ملاحم و فتن آغاز گردید؛ آن‌گاه که سرانجام پیش‌گویی حضرت امیر به وقوع پیوست

تساربع الاسلام، سرائر، المعتمر، مختلف الشیعه، المهدب البارع، نزهة البارع و... و نیز پرداختن به فقه (محور مهم و اصلی حوزه حله) عالمان را از روی کرد به موضوع مهدویت باز می‌داشت.

۳. شیعه در قرن چهارم و پنجم، با روی کار آمدن آل بویه، فاطمیان، حمدانیان و علویان اندکی آزادی عمل و قدرت پیدا کرد. در قرن ششم و هفتم و حمله مغولان به جهان اسلام و جنگ‌های صلیبی، شیعیان اندکی در امان ماندند و جمعیت شیعه رو به فزونی گذاشت. تراکم شیعیان در این دوره، در هر گوشه از کشورهای اسلامی به ویژه ایران، گزارش شده است.<sup>۱</sup> از سویی، با شیعه شدن برخی از سلاطین مغول، نیاز به مباحث فکری و کلامی بیشتر شد و مباحث اولیه و کلیات مباحث دینی، اصول دین و به ویژه امامت علی به جهت جاننشینی پیامبر اهمیت بیشتری یافت. مباحث کلامی شیعه به اوج شکوفایی خود رسید و بیشتر تلاش عالمان و فقیهان، به تدوین کتاب‌های فقهی و کلامی متمرکز شد. قرن‌های ششم و هفتم را دوره شکوفایی و تدوین کتاب‌های کلامی می‌توان نامید. برخی از کتاب‌های کلامی را به درخواست سلاطین می‌نوشته‌اند و کتاب‌های مهم کلامی و فکری، به تألیف رسید. کتاب‌هایی چون *کشف المراد، منتهی المطلب، منتهی الوصول، البراهین، نهایة المرام، نهج المسترشدين، منهج الكرامة، نهج الحق* و...<sup>۲</sup> از منابع مهم شیعه در کلام، از این دوره‌اند.

۴. بروز مدعیان مهدویت در هر دوره از عوامل پرداختن به موضوع مهدویت است. در این دوره، مدعیان مهدویت اندک بوده‌اند و آن شمار اندک، در همان ابتدا به قتل رسیدند، یا نفوذ چندانی پیدا نکردند و یا آن که دارای فکر، اندیشه و کتاب و جایگاه بالایی نمی‌شدند. از این رو، انگیزه و نیازی برای نگارش کتاب نبود و کتاب‌های دوره‌های قبل، نیاز شیعیان را در موضوع مهدویت برطرف می‌کرد. افرادی چون عباس الردیفی (که در بلاد مغرب مدعی مهدویت شد) و ملاعرشی کاشانی (مدعی مهدویت در سال ۸۵۰ قمری) و میرزای بلخی (مدعی مهدویت در سال ۸۹۰ قمری) و شیخ عبدالعزیز بخارایی (مدعی مهدویت در سال ۹۰۰ قمری)<sup>۱۱</sup> همگی در مناطق سنی‌نشین ساکن بودند و در میان اهل سنت ادعای مهدویت می‌کردند. اینان از دایره نفوذ حوزه حله بیرون بودند و نفوذ و تأثیر چندانی در میان شیعیان و حتی اهل سنت نداشتند.

هلاکوخان و سران لشکرش شادمان شدند و در امان‌نامه‌ای، به شهر حله و شهرهای مقدس دیگری هم‌چون کوفه، نجف و کربلا امان دادند.<sup>۵</sup>

با این‌نامه و دوراندیشی به هنگام دانش‌وران زنده‌دل، حله و شهرهای شیعه‌نشین عراق از هجوم و کشتار مغولان در امان ماند و بدین‌سان، تحزک علمی بغداد و علمای نام‌دار آن به حله منتقل گردید و بنابر خبر حضرت علی حله جایگاه پرورش مردانی پاک‌سرشت و دانش‌مندان بیداردل و فقیهان زنده‌دل گردید.

### علت‌های کم‌کاری حوزه حله در تألیف کتاب‌های مهدوی

بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که به رغم پرداختن شیعیان به دیگر علوم، در طول قرن‌های ششم تا نهم قمری در موضوع مهدویت تنها هفده کتاب نوشته‌اند. برخی از علت‌های این کم‌کاری در پی می‌آید:

۱. در دوره‌های قبل (سده‌های دوم، سوم و چهارم) به موضوع مهدویت بسیار می‌پرداخته‌اند و کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری درباره غیبت و علایم ظهور و... نوشته بوده‌اند. از این رو، تألیف کتاب در موضوع مهدویت کمتر مهم می‌نموده است. بدین‌سان، بیشتر به تلخیص، جمع‌آوری و شرح کتاب‌های دوره گذشته می‌پرداخته‌اند. ۲. پس از دوره شیخ طوسی، فقه و صدور فتوا ایستا گردید. فقیهان پس از شیخ طوسی نظریات و فتوای شیخ را بیان می‌کردند. ابن طاووس نوشته است:

امروز فتاوی فقه‌ها و پاسخ به مسائل مورد نیاز، نقل قول علمای متقدم است و فتوای دیگران را نقل می‌کنند و به تکرار بازمی‌گویند.<sup>۶</sup>

از این رو، بیشتر کوشش عالمان و فقیهان به ویژه علامه حلی و محقق حلی، دگرگونی در فقه و ایجاد شیوه‌ای نو در فقه بوده است.<sup>۷</sup> در این دوره، ابن‌ادریس، محقق حلی، علامه حلی و فخرالمحققین، در فقه و اصول تحولی شگرف پدید آوردند. از این روی، این دوره را باید عصر توسعه فقه شیعه و نگارش کتاب‌های مهم فقهی، استدلالی فقه و فقه مقارن، باب‌بندی و ترتیب‌دهی به فقه و کتاب‌های فقهی دانست.<sup>۸</sup> بیشترین کتاب‌ها و منابع فقهی شیعه تا به امروز، از این دوره است. تألیف کتاب‌هایی چون *القواعد*،

۵. پس از گسترش تشیع و روی کرد برخی سلاطین مغول به آن و پیشرفت علم و دانش، دشمنی با شیعه نیز گسترش یافت و دشمنان شبهات زیادی بر شیعیان در انداختند. از این روی، مناظره و ردیه‌نویسی در این دوره رو به گسترش نهاد. ابن تیمیه<sup>۱۲</sup> از سران این ردیه‌نویسان به شمار می‌رفت و سید بن طاووس<sup>۱۳</sup> و ابن فهد حلّی<sup>۱۴</sup> از سران مناظره‌کنندگان شیعه به شمار می‌رفتند. این دو در مناظره و مباحثه تخصصی ویژه و بالا داشتند.

بررسی ردیه‌ها و مناظره‌ها نشان می‌دهد که مسئله امامت و حقانیت یا بطلان مکاتب اهل سنت و امامیه از موضوعات این دوره بوده و به دیگر امور (به ویژه مسئله مهدویت) کمتر توجه می‌کرده‌اند، برای مثال، دانش‌وران شیعه ردیه‌های بسیاری در پاسخ به کتاب‌های ابن تیمیه از سرآمدان مخالفت با شیعه و اهل بیت نوشته بودند.

### گزارشی از کتاب‌های شیعیان درباره مهدویت

شیعیان حوزه علمی حله در موضوع مهدویت تنها هفده کتاب تألیف کرده‌اند که گزارش آن در پی می‌آید:

۱. *کشف المخفی فی مناقب*، نوشته یحیی بن سعید حلّی (متولد ۶۰۰ قمری):<sup>۱۵</sup> مؤلف (معروف به ابن بطریق) از فقیهان و دانش‌مندان بزرگ بوده و در آسمان فقاقت حله جایگاهی شایسته داشته است. او از خاندان بزرگوار و بلندمرتبه و دارای فضل و دانش و ادب بطریق در حله به شمار می‌رفته است.<sup>۱۶</sup> اصل این کتاب در دست نیست. او در این کتاب، ۱۱۰ حدیث از طریق رجال چهار مذهب اهل سنت، گرد آورده است؛<sup>۱۷</sup>

۲. *کتاب الغیبه (عربی)*، نوشته تاج‌الدین اشرف بن اغرّ بن هاشم رملی حلّی نسابه (متولد ۶۱۰ قمری): وی که به تاج‌العلاء شهرت دارد، در سال ۴۸۲ قمری متولد شد و در حدود ۱۲۸ سال عمر بابرکت خود، کتاب‌های فراوانی را نوشت.<sup>۱۸</sup> او از شاعران برجسته مقیم حلب به شمار می‌رفت و آشکارا بخاری را تضعیف می‌کرد. از این رو، ابن حجر در تضعیف او می‌کوشید.<sup>۱۹</sup> از مضمون کتاب و اصل آن آگاهی در دست نیست؛

۳. *تحقیق غیبه المنتظر (عربی)*، نوشته اشرف بن اغرّ بن هاشم رملی حلّی نسابه (متولد ۶۱۰ قمری): این کتاب در دست نیست.<sup>۲۰</sup>

۴. *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، سیدعلی بن موسی بن طاووس (متولد ۶۶۴ قمری): سید بن طاووس از خاندان آل طاووس است که در قرن هفتم و هشتم، از دانش‌مندان و نامداران به شمار می‌رفته‌اند. بیشتر خاندان آل طاووس عهده‌دار شئون زعامت روحانی و نقابت سادات بوده‌اند.

وی در سال ۵۸۹ قمری در حله متولد شد و در سال ۶۶۴ قمری در بغداد از دنیا رفت. سید، دارای والاترین درجه زهد و تقوا و در علوم مختلف سرآمد بود. او در دعا، علم کلام، فقه، تراجم، تاریخ و اخلاق، آثار مهمی را از خود به جای گذاشت. برخی از آن آثار از منابع مهم شیعه به شمار می‌رود.<sup>۲۱</sup> این کتاب از ۵۹ کتاب سید بن طاووس، تنها کتابی است

بررسی ردیه‌ها و مناظره‌ها نشان می‌دهد که مسئله امامت و حقانیت یا بطلان مکاتب اهل سنت و امامیه از موضوعات این دوره بوده و به دیگر امور (به ویژه مسئله مهدویت) کمتر توجه می‌کرده‌اند، برای مثال، دانش‌وران شیعه ردیه‌های بسیاری در پاسخ به کتاب‌های ابن تیمیه از سرآمدان مخالفت با شیعه و اهل بیت نوشته بودند

که با دست خط خود سید بر جای مانده است.<sup>۳۲</sup> این کتاب از منابع مهم شیعه در موضوع مهدویت به شمار می‌رود و بین علما و فضلا و عامه مردم جایگاه والایی دارد.

این کتاب با دو عنوان «الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر» و «التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن» به چاپ رسیده، ولی اسم کتاب در اصل عنوان دوم آمده است. ابن طاووس این عنوان را در آغاز بخش سوم و آخرین بخش ملاحم، به کتاب داده و چنین نوشته است:

ثم الكتاب الملتقط الملحق بأجزاء كتاب التشريف فی

المنن للسید رضی الدین علی بن طاووس؛<sup>۳۲</sup>

این کتاب تنها کتابی به شمار می‌رود که از آثار ابن طاووس به دست خط خود او باقی مانده است.<sup>۳۴</sup>

مباحث کتاب در مورد احادیث آخرالزمان، امام مهدی، ظهور، نشانه‌های ظهور، پیش‌گویی‌های پیامبر و اهل بیت درباره فتنه‌های دوران پس از رحلت پیامبر و عصر ظهور امام مهدی است. مؤلف، این کتاب را با اقتباس از سه کتاب الفتن نعیم بن حماد خزاعی، الفتن ابوصالح سلیلی و الفتن زکریا بن یحیی بزار (که هر سه سنی هستند) نوشته است.<sup>۳۵</sup>

مؤلف، کتاب را به چند باب تقسیم کرده و برای هر باب عنوان خاصی برگزیده و در نقل اقوال از مصادر مختلف، بدون اشاره به قبول یا رد آنها و یا شرح و توضیح آنها، بهره جسته است. از این رو، گاه حدیثی از کتاب عامه آورده که با اعتقادات شیعه سازگار نیست، مثل: اعتقاد عبدالله بن سلام و کعب الاحبار. حتی فصلی دیگر را برای کعب الاحبار باز کرده است و او را از اصحاب خاص امام علی شمرده است.<sup>۳۶</sup>

این کتاب بارها به چاپ رسیده است و ترجمه‌های مختلفی به زبان فارسی دارد؛

۵. مناظره ابن طاووس مع بعضهم فی غیبة الامام المهدی، نوشته

سید بن طاووس؛<sup>۳۷</sup>

۶. کتاب اغانة الداعی و اعانة الساعی،<sup>۳۸</sup> نوشته سیدعلی بن

موسی بن طاووس (متولد ۶۶۴ قمری): این کتاب بر دعاهایی با انشای حضرت مهدی مشتمل است و به ویژه دعای معروف به «دعاء المصحف الشريف» نیز که به هنگام بر سر گذاشتن قرآن

خوانده می‌شود، در این کتاب وجود دارد؛<sup>۳۹</sup>

۷. دعای استدعای فرج برای ظهور و شهود حضرت حجت، نوشته خواجه نصیرالدین طوسی (متولد ۶۷۲ قمری): مؤلف از شخصیت‌های بی‌نظیر جهان تشیع است و به استاد بشر و عقل حادی عشر لقب گرفته است. صاحب آثار فراوان و مؤسس رصدخانه مراغه<sup>۴۰</sup> بوده و وزارت هلاکوخان را پذیرفت و برای اصلاح بلاد و ارشاد آنها به بغداد رفت. وی در تدابیر هلاکوخان تأثیر خوبی بر جای گذاشت؛<sup>۴۱</sup>

۸. الانوار المصیئة، نوشته علم‌الدین سیدمرتضی علی بن عبدالحمید نسابه بن شمس‌الدین فخار بن محمد (نیمه اول قرن هشتم): مؤلف از مشایخ سید تاج‌الدین مجد بن قاسم بن معیه (متولد ۷۷۶ قمری) بوده و در اوایل قرن هشتم می‌زیسته است. کتاب الانوار المصیئة از مصادر بحار الانوار بوده<sup>۴۲</sup> و در دوازده فصل به اثبات امامت حضرت ولی عصر پرداخته است. در آغاز به ولادت حضرت و آن‌گاه به مسئله‌های غیبت، توقیعات، تشریفات و علایم ظهور پرداخته و با دلایل عقلی، قرآنی، احادیث شیعه و روایات اهل تسنن، به مباحث طول عمر، نواب خاص حضرت و حوادث پس از ظهور نیز اشاره کرده است.<sup>۴۳</sup> اصل کتاب در دست نیست، ولی برگزیده این کتاب به گزینش بهاء‌الدین علی بن غیاث‌الدین عبدالکریم بن عبدالحمید نیلی (متولد ۷۹۰ قمری) وجود دارد و چاپ شده است؛<sup>۴۴</sup>

۹. اثبات الرجعة، نوشته حسن بن یوسف بن مطهر (علاّمه حلّی) (متولد ۷۲۶ قمری): علاّمه حلّی از اندیش‌مندان و فقیهان نام‌دار شیعه در حوزه حله بوده است. تأثیر علاّمه در شکوفایی و پیش‌رفت حوزه حله و تحوّل در فقه، والا و فراموش نشدنی است.

آوازه علاّمه حلّی موجب شد سلطان محمد خدابنده وی را به بارگاه خویش دعوت کند. علاّمه هنگام اقامت خود در ایران، افزون بر تربیت شاگردان، با گفت‌وگوهای اعتقادی، موجب شیعه شدن سلطان محمد خدابنده شد. علاّمه در علوم عقلی و نقلی از جامعیت و نبوغ علمی برخوردار بود. وی ۱۲۰ اثر ارزنده در موضوعات گوناگون داشته است.<sup>۴۵</sup> کتاب اثبات الرجعة از آنها به شمار می‌رود و نسخه خطی آن در کتاب‌خانه مدرسه فاضل‌خان مشهد یافت می‌شود؛<sup>۴۶</sup>

۱۰. *الجزيرة الخضراء*، نوشته مجدالدین فضل بن یحیی بن علی بن مطهر طیبی کوفی (نیمه اول قرن هشتم): مؤلف در شهری میان کوفه و بصره می‌زیسته و شاگرد علی بن عیسی اربلی بوده است.<sup>۳۷</sup> جزیره خضرا برای نخستین بار در این دوره مطرح شد. فضل بن یحیی، داستان تشرّف علی بن فاضل مازندرانی (صاحب کتاب *الفوائد الشمسیة*)<sup>۳۸</sup> را در یازدهم شوال ۶۹۹ قمری بی‌واسطه از زبان علی بن فاضل شنید و آن را در کتابی به نام *الجزيرة الخضراء* گرد آورد.<sup>۳۹</sup> اصل کتاب موجود نیست، ولی شهید اول (متولد ۷۸۶ قمری) نسخه دست‌خط او را در *بحار الانوار* جلد ۵۲ آورده است. هم‌چنین شیخ حرّ عاملی در *اثبات الهداة* جلد سوم و دهها تن دیگر از بزرگان، این داستان را در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند.<sup>۴۰</sup> پس از طرح داستان جزیره خضرا، کتاب‌های گوناگونی به زبان‌های مختلف نوشته شد. کتاب یاد شده که به زبان عربی است، نخستین بار به کوشش محقق کرکی به فارسی ترجمه شد. وی ترجمه این کتاب را به شاه طهماسب هدیه کرد؛

۱۱. *قصیده ذات الانوار* (عربی)، نوشته عامر بن عامر بصری (قرن هشتم): شاعر، این قصیده را درباره امام زمان در سال ۷۳۱ قمری در سیواس ترکیه به زبان عربی سروده است؛<sup>۴۱</sup>

۱۲. *اثبات الرجعة*، نوشته شیخ حسن بن سلیمان حلّی (قرن هشتم):<sup>۴۲</sup> شیخ از شاگردان شهید اول و فقیه فاضل بوده که در دوره خود شهرت داشته است. روایات بسیاری در *بحار الانوار* از وی و کتاب یاد شده، نقل شده است. اصل این کتاب در دست نیست؛<sup>۴۳</sup>

۱۳. *السلطان المفرج علی اهل الایمان*، نوشته بهاءالدین عبدالکریم بن عبدالحمید (متولد ۷۹۰ قمری): مؤلف اهل نیل، منطقه‌ای نزدیک حله بود و در نجف اشرف اقامت داشت. او سیدی بزرگوار، محدث رجالی و از مشایخ ابن‌فهد حلّی به شمار می‌رفت.<sup>۴۴</sup> این کتاب از مصادر *بحار الانوار* است و علامه مجلسی، داستان تشرّف گروهی را از این کتاب نقل کرده است؛<sup>۴۵</sup>

۱۴. *الرجعة و الرد علی اهل البدعة* (عربی)، نوشته حسن بن سلیمان بن خالد حلّی (قرن هشتم): مؤلف، کتابی درباره رجعت به نام *اثبات الرجعة* دارد. او احادیثی را که سعد بن عبدالله در کتاب *بصائر الدرجات* در زمینه رجعت نقل کرده، در آن کتاب نیاورده و به کتاب *مختصر البصائر الدرجات* ارجاع داده است. در نسخه این کتاب، کتاب فوق نیز ضمیمه شده است؛<sup>۴۶</sup>

۱۵. *سرور اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان*، نوشته بهاءالدین علی بن غیاث‌الدین عبدالکریم بن عبدالحمید (متولد ۷۹۰ قمری): بنابر احتمال نویسنده *روضات الجنات*، کتاب *سرور اهل الایمان* همان کتاب *الغیبة* و یا کتاب مستقل دیگری است.<sup>۴۷</sup> *الغیبة* کتاب دیگر مؤلف است، هرچند که اصل کتاب در دست نیست، تلخیص و نوشته‌های بسیاری با توجه به آن کتاب نوشته شده و روایات آن را در کتاب‌های روایی نقل کرده‌اند؛

۱۶. *الغیبة*: این کتاب، تلخیص و برگرفته از کتاب *الغیبة* فضل بن شاذان نیشابوری است.

جزیره خضرا برای نخستین بار در این دوره مطرح شد. فضل بن یحیی، داستان تشرّف علی بن فاضل مازندرانی (صاحب کتاب *الفوائد الشمسیة*) را در یازدهم شوال ۶۹۹ قمری بی‌واسطه از زبان علی بن فاضل شنید و آن را در کتابی به نام *الجزيرة الخضراء* گرد آورد



امام حسن عسکری فضل بن شاذان را تکریم می کرده‌اند. او دو ماه قبل از شهادت امام درگذشت. چون این کتاب احادیث و روایاتی از امام نقل کرده و امام مهدی را قائم خوانده، اهمیت فراوانی دارد. فضل بیشتر مطالب کتابش را از حسن بن محبوب سراد بهره گرفته که چند حکایت است و اغلب آنها به امامان نسبت داده می‌شود؛

۱۷. *کلام المهدی*، نوشته سیدمحمد بن فلاح المشعشی (متولد ۸۷۰ قمری): سیدمحمد در کودکی پدر خود را از دست داد و از این رو، ابن فهد حلّی با مادر او ازدواج کرد و سرپرستی محمد را پذیرفت. او از شاگردان ابن فهد بود و نزد وی علوم عقلی و نقلی آموخت و با دختر وی ازدواج کرد. وی پس از آن، ادعای مهدویت نمود. سیدمحمد مسلک صوفیانه داشت و بر اثر ریاضت، کارهایی خارق العاده انجام می‌داد. سیدمحمد، مدت یک‌سال در مسجد جامع کوفه اعتکاف کرد و چیزی جز نان جو نخورد. پس از آن که سیدمحمد ادعای مهدویت کرد، ابن فهد حکم اعدام او را صادر نمود، ولی او به هر روی خود را از مرگ رهایی داد.<sup>۴۸</sup>

سیدمحمد نخست با ادعای مهدویت، گروهی را دور خود گرد آورد و پس از به قدرت رسیدن بر سراسر اهواز و برخی شهرهای عراق و حله سیطره پیدا کرد. خاندان مشعشعین پس از وی از سال ۸۵۷ تا ۸۸۲ قمری بر حله و در مقاطعی بر شهرهای دیگر حکومت کردند.<sup>۴۹</sup>

نسخه قدیمی کتاب *المهدی* نیز که سراسر خرافات وی است، نزد حاج میرزا ابی‌عبدالله زنجانی وجود دارد.<sup>۵۰</sup>

### کتاب‌های اهل سنت در موضوع مهدویت در عصر حوزة حله (۶۰۰ - ۹۰۰ قمری)

علمای عامه در این دوره ۳۴ کتاب نوشته‌اند. هرچند این رقم فراوان نیست، به نظر می‌رسد آنان در این دوره در مقایسه با شیعه پرکار بوده‌اند. هنگامی که فشارهای حکومت بر شیعه کم بود و آرامش نسبی (به ویژه در قرن هفتم و هشتم) وجود داشت، اوضاع بر علمای عامه سخت‌تر شد و آنان در وضعیتی دشوار به سر می‌بردند. این کثیر (از علمای نام‌دار این دوره) درباره اوضاع آن دوره می‌نویسد:

من همه‌ساله با مشکل‌ها و دشواری‌هایی فراوان پنجه

درمی‌افکندم که آنها را حاکمان بر من بسته بودند.<sup>۵۱</sup>

با توجه به مشکلات و موقعیت زمانی و جایگاه اعتقادی آنان، می‌توان نتیجه گرفت که علمای اهل سنت در موضوع مهدویت تلاش خوبی کرده‌اند. شاید علت این تلاش را در ذکر «ملاحم و فتن» به جهت آرامش روحی دادن به مردم بتوان جست؛ چراکه بسیاری از کتاب‌های آنان در موضوع مهدویت در ذکر «ملاحم و فتن»، علایم ظهور و علایم آخر زمان است. از تأثیر مسائل سیاسی و حکومتی در این تلاش نیز نمی‌توان چشم پوشاند. شاید آنان می‌خواستند زمان خود را با علایم آخر زمان تطبیق بدهند تا در برابر اوضاع سخت، صبر و استقامت بتوانند بکنند.

از دیگر دلایل، به مدعیان مهدویت در این دوره می‌توان اشاره کرد. چند مدعی در این دوره، از شهرهای اهل سنت و سنی بوده‌اند. (نام آنان در بخش نخست نقد تألیف شیعه گذشت)

در این دوره، دو تن از علمای عامه بیشتر از دیگران در موضوع مهدویت کوشیده‌اند: ابن عربی که به دلیل جایگاه و افکار و عقاید خود، ناچار از این کار بوده و ابن کثیر که در تاریخ و تاریخ‌نگاری، از کاردانی بالایی برخوردار بوده و به موضوع مهدویت بیشتر از جنبه‌های تاریخی و ذکر روایات برای تبیین اوضاع آینده و «ملاحم و فتن» می‌پرداخته است. تعداد کتاب‌های تألیف شده اهل سنت در موضوع مهدویت در عصر رونق حوزه حله، دو برابر کتاب‌های تألیف شده درباره مهدویت از شیعیان است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. *اخبار المهدی* (عربی)، نوشته ابوالعلاء همدانی (متولد ۵۶۹ قمری)؛<sup>۵۲</sup>

۲. *اشراط الساعة* (عربی)، نوشته ابومحمد عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی حنفی (متولد ۶۰۰ قمری)؛<sup>۵۳</sup>

۳. *الولاء المختوم فی السر المختوم فی اخبار المهدی* (عربی)، نوشته ابوبکر محی‌الدین محمد بن علی بن محمد طائی اندلسی (مشهور به ابن عربی) (متولد ۶۳۸ قمری): نویسنده در سال ۵۶۰ قمری در مرسیه اندلس دیده به جهان گشود و در علوم و فنون و نبوغ و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به مراتب والایی رسید.<sup>۵۴</sup> اسم او در اندلس ابن سراقه (فرزند چیز دزدیده شده) بود و بعد به ابن عربی و محی‌الدین خود را لقب داد. وی در عرفان و تصوف



مبانی ویژه‌ای داشت و در سال ۶۳۸ قمری در دمشق درگذشت.<sup>۵۵</sup> اسماعیل پاشا در کتاب *هدیة العارفین*، در میان تألیفات ابن عربی به کتاب *الوئ المختوم* وی اشاره کرده است.<sup>۵۶</sup> ایشان پنج کتاب در موضوع مهدویت نوشته که به آنها اشاره می‌شود:

۴. *رساله دوازده مقام محی‌الدین عربی و صلوات او بر پیامبر و حضرت حجت (عربی):* نسخه قدیم این رساله در کتابخانه ملی مجلس موجود است؛<sup>۵۷</sup>

۵. *عقلاء المغرب فی معرفة ختم الاولیاء و شمس المغرب (عربی):* این کتاب در مناقب حضرت مهدی و خاتم‌الاولیاء بودن آن حضرت به نظم و نثر است.<sup>۵۸</sup> و نسخه خطی آن در ۶۴ صفحه در کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی به شماره ۴۱۰۵ وجود دارد؛<sup>۵۹</sup>

۶. *رساله فی المهدی*، نوشته ابن عربی؛

۷. *قصیده فی المهدی*، (این قصیده در ۸۳ بیت است)؛<sup>۶۰</sup>

۸. *احوال صاحب‌الزمان*، نوشته سعدالدین حموی (متولد ۶۵۰ قمری)؛<sup>۶۱</sup> نویسنده از علمای پرتلاش و دانش‌مندان نام‌دار اهل تسنن بوده است. او در سال ۶۵۰ قمری در خراسان درگذشت. او به ولایت دوازده امام و حضرت مهدی اعتقاد داشت. شاگرد او عزیزالدین نسفی در کتاب *الانسان الکامل* خود می‌نویسد:

شیخ معتقد است که اسم ولی در دین محمد پدید آمده است. خدای متعال دوازده کس از امت محمد برگزید و مقرب خود گردانید و به ولایت خود مخصوص کرد و ایشان را نایبان حضرت محمد گردانید و در نزد او در امت محمد، تنها همین دوازده نفر ولی هستند. آخرین ولی، دوازدهم آنان، خاتم‌الاولیاء است که مهدی و صاحب زمان نام دارد.

سپس می‌افزاید:

شیخ سعدالدین حموی در حق این صاحب زمان کتاب‌های زیادی نوشته و مدح او را بسیار گفته است که مهدی تمام روی زمین را به عدل آراسته گرداند...<sup>۶۲</sup>

او در کتاب *احوال صاحب‌الزمان* درباره حضرت مهدی و خصوصیات او و حوادث و اتفاقات هنگام ظهور، شصت حدیث در چهار فصل آورده است؛<sup>۶۳</sup>

۹. *البیان فی اخبار صاحب‌الزمان*، نوشته محمد بن یوسف بن محمد نوفلی قرشی گنجی شافعی (متولد ۶۵۸ قمری)؛<sup>۶۴</sup> نویسنده از راویان و علمای ثقه و معتبر اهل سنت بوده است. بیشتر علمای اهل سنت او را ثقه دانسته‌اند و بزرگانی مانند ابن‌عجلان و ابن‌جریج از او نقل کرده‌اند.<sup>۶۵</sup> او کتاب ارزش‌مند دیگری به نام *کفایة الطالب* در مناقب حضرت علی نوشته است و به همین دلیل در ۲۹ رمضان سال ۶۵۸ قمری در مسجد جامع دمشق به شهادت رسید.<sup>۶۶</sup> کتاب *البیان فی اخبار صاحب‌الزمان* از بهترین کتاب‌هاست که علمای اهل سنت، درباره حضرت مهدی نوشته‌اند. این کتاب در ۲۵ باب تألیف شده و به غیبت، ظهور، فتوحات، بشارات و مسائل دیگر در پیرامون آن حضرت پرداخته است.

کتاب *البیان فی اخبار صاحب‌الزمان* از بهترین کتاب‌هاست که علمای اهل سنت، درباره حضرت مهدی نوشته‌اند. این کتاب در ۲۵ باب تألیف شده و به غیبت، ظهور، فتوحات، بشارات و مسائل دیگر در پیرامون آن حضرت پرداخته است

یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (متولد ۶۵۶ قمری): نویسنده تکمله‌ای بر کتاب *عقد الدرر* نوشته و در آن به نقل احادیث از طریق اهل سنت پرداخته است.<sup>۷۸</sup> البته این کتاب در *الدریعة* با عنوان *ابهی الدرر تکلمة من الاخبار المودیه من طرق اهل السنة* آمده است.<sup>۷۹</sup> نویسنده در اصل کتاب بیشتر به نقل احادیث از امامان ولی در تکمله احادیثی را فقط از طریق اهل سنت نقل کرده است؛

۱۵. *العرف الوردی فی اخبار المهدی*، نوشته یوسف بن یحیی دمشقی شافعی (متولد ۶۵۸ قمری): نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین وجود دارد.<sup>۸۰</sup> آیه‌الله صافی گلپایگانی می‌نویسد:

از کتاب‌های *عقد الدرر* و *العرف الوردی* ثابت می‌شود که عقیده به مهدویت و مهدی عقیده‌ای اسلامی است و اصل آن در کتاب و سنت به گونه ثابت وجود دارد؛ عقیده به مهدی، عقیده همه گذشتگان از صحابه و تابعان است و به فرقه‌ای از فرقه‌های مسلمانان اختصاص ندارد.<sup>۸۱</sup>

۱۶. *مختصر تاریخ البشر*، نوشته کمال‌الدین ابوالفداء دمشقی (متولد ۷۳۲ قمری): این کتاب درباره اشخاص دارای طول عمر زیاد است.<sup>۸۲</sup> نویسنده در این کتاب به کسانی پرداخته که زیاد عمر کرده‌اند و از تمام زمان‌ها و ادیان، نمونه و شاهد بر این مطلب آورده است؛

۱۷. *الروع الوجال فی نبأ المسيح الدجال*، نوشته حافظ ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی (متولد ۷۴۸ قمری):<sup>۸۳</sup> این کتاب در *کشف الظنون* با واو عطف میان *المسیح* و *الدجال* ذکر شده است،<sup>۸۴</sup> یعنی به این گونه *الروع الوجال فی نبأ المسيح و الدجال*، ولی در کتاب *الاعلام النبلاء* و برخی کتاب‌های دیگر بدون واو عطف آمده است.

نویسنده از دانش‌مندان و علمای گران‌قدر و ارزش‌مند است و از دو جهت در میان علمای اهل سنت شهرت دارد: یکی تألیفات که بیش از ۲۱۵ عنوان رساله و کتاب از اوست و دیگری تدریس.<sup>۸۵</sup> او در اکثر حوزه‌های درسی در شهرهای مختلف به تدریس اشتغال داشته و در تاریخ و تراجم بسیار کاردان بوده است. کتاب *سیر الاعلام النبلاء* در این زمینه است.<sup>۸۶</sup>

نویسنده در این کتاب امکان طول عمر و بقای آن حضرت را در طول قرون و اعصار، اثبات کرده است. از این کتاب، چاپ‌های فراوانی انتشار یافته<sup>۶۷</sup> سیدمحمدجواد مرعشی نجفی ترجمه فارسی این کتاب را به نام *خورشید پنهان* منتشر کرده است؛<sup>۶۸</sup>

۱۰. *علامات المهدی* (عربی)، نوشته حافظ ابو عبدالله محمد بن مجد انصاری قرطبی (متولد ۶۷۱ قمری): نویسنده از شخصیت‌های مشهور اهل سنت و صاحب *تفسیر قرطبی* است.<sup>۶۹</sup> این کتاب به خروج دجال، لزوم اعتقاد به حضرت مهدی، حکومت جهانی واحد و نشانه‌های ظهور حضرت حجت، می‌پردازد؛<sup>۷۰</sup>

۱۱. *علامات يوم القيامة*، نوشته ابن عربی: این کتاب درباره آخر زمان، علایم ظهور و نشانه‌های ظهور بحث می‌کند. نویسنده با استناد به منابع روایی خودشان، از جمله حوادث آخر زمان را قیام امام مهدی دانسته و به ذکر نشانه‌های ظهور و علایم ظهور و حوادث و روی داده‌های پس از ظهور و به نزول حضرت عیسی، خروج دجال و فتح شهرها و خروج سفیانی نیز پرداخته است؛<sup>۷۱</sup>

۱۲. *علامات المهدی* (فارسی)، نوشته محمد بن اسحاق رومی (مشهور به صدرالدین قونوی) (متولد ۶۷۳ قمری): نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی موجود است؛<sup>۷۲</sup>

۱۳. *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، نوشته یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (متوفای ۵۶۵ قمری): نویسنده از فقیهان شافعی به شمار می‌رود. وی در سال ۶۸۲ قمری، مقام قضاوت دمشق را عهده‌دار شد.<sup>۷۳</sup> این کتاب، بهترین کتاب دانش‌مندی سنی در موضوع مهدویت به شمار می‌رود.<sup>۷۴</sup> وی در این کتاب، در دوازده باب، درباره علایم ظهور، حوادث آخر زمان و همه مسائل پیرامون حضرت بحث کرده و از بیشتر معصومان حدیث نقل کرده است.<sup>۷۵</sup> کتاب *عقد الدرر* جایگاهی والا در نزد علمای شیعه و سنی دارد، به گونه‌ای که در این باره بیشتر علما در کتاب‌های خود از این کتاب حدیث و مطلب نقل کرده‌اند. آیه‌الله صافی گلپایگانی و شیخ علی کورانی در کتاب *معجم احادیث المهدی* احادیث این کتاب را آورده‌اند. این کتاب با تحقیقاتی گوناگون چاپ شده و در ایران، با تحقیق حجة الاسلام و المسلمین کلباسی منتشر شده است.<sup>۷۶</sup> گفتنی است برخی نویسنده این کتاب را با نویسنده کتاب *البیان فی اخبار صاحب الزمان* (کتاب شماره نهم) یکی دانسته‌اند؛<sup>۷۷</sup>

۱۴. *ابهی الدرر فی تکلمة عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، نوشته

او دوست و شاگرد ابن تیمیه بوده و با افکار انحرافی او در اصول و فروع مخالفت می کرده است.<sup>۸۷</sup> نامه او به ابن تیمیه که به «النصیحة الذهبیة لابن تیمیه» مشهور است، از این مخالفت حکایت می کند. وی، در این نامه ابن تیمیه را به توبه و دست برداشتن از افکار خود فرا خوانده است؛

۱۸. *نبأ الدجال*، نوشته شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متولد ۷۴۸ قمری):<sup>۸۸</sup> این کتاب چاپ نشده و نسخه‌ای ناشناخته است؛

۱۹. *رسالة فی الاحادیث القاضیة بخروج المهدي*، نوشته بدرالله محمد بن اسماعیل یمنی صنعانی (متولد ۷۵۱ قمری):<sup>۸۹</sup>

۲۰. *شرح کتاب المهدي*، نوشته برهان الدین ابراهیم بن محمد ثقفی مشهور به ابن قیم جوزیه (متولد ۷۶۷ قمری):<sup>۹۰</sup> او عرب و قریشی بوده و نسب او به ابوبکر می رسد. ثقفی، محدث، حافظ، مفسر، فقیه، واعظ، مورخ و ادیب شناخته شده‌ای در میان اهل سنت بوده و در همه این موضوعات کتاب نگاشته است.<sup>۹۱</sup> این کتاب در ضمن کتاب *عون المعبود* جلد ۱، صفحه ۳۶۱ منتشر شده و نویسنده در ضمن کتاب *تهذیب سنن ابی داوود* کتاب *المهدی ابوداود* را شرح داده است؛<sup>۹۲</sup>

۲۱. *کتاب المهدي*، نوشته برهان الدین ابراهیم بن محمد ثقفی مشهور به ابن قیم جوزیه (متولد ۷۶۷ قمری):<sup>۹۳</sup> ابن قیم از نویسندگان نامدار اهل تسنن به شمار می رود و کتاب‌های بسیاری نوشته است. وی امام علی را برترین مردم دوران خود و پیامبر معرفی کرده است. نسخه این کتاب در دست نیست؛

۲۲. *مرآة الجنان*، نوشته ابوعبدالله سعد بن علی بن سلیمان عقیف الدین یافعی یمنی مکی شافعی (متولد ۷۶۸ قمری): جلد دوم این کتاب به بررسی زندگانی امام حسن عسکری و امام زمان پرداخته است؛<sup>۹۴</sup>

۲۳. *اخبار المهدي*، نوشته بدرالدین حسن بن محمد بن صالح نابلسی حنفی (متولد ۷۷۲ قمری): اصل کتاب در دست نیست؛

۲۴. *علامات يوم القيامة*، نوشته حافظ عمادالدین ابوالفداء بن عمر بن کنیر (متولد ۷۷۴ قمری):<sup>۹۵</sup> نویسنده از بزرگان و دانش‌مندان مذهب شافعی به شمار می رفته و خانواده او همه از دانش‌مندان نامدار اهل سنت بوده‌اند. قاسم بن عساکر و ابن تیمیه و ابوسوید ابی زراد از اساتید او به شمار می روند.<sup>۹۷</sup> این کتاب که به علایم ظهور مهدی موعود و شرایط الساعه می پردازد، با تعلیقات و تحقیقات عبداللطیف منتشر شده است؛<sup>۹۸</sup>

۲۵. *المهدی*، نوشته ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کنیر (متولد ۷۷۴ قمری): ابن کنیر در کتاب *الفتن والملاحم* خود اشاره کرده که من رساله‌ای در پیرامون حضرت مهدی نوشته‌ام.<sup>۹۹</sup> از ابن کنیر، پنج کتاب در این موضوع ثبت شده است. نسخه بعضی از آنها وجود دارد؛

۲۶. *نهایة البدایة و النهایة*: این کتاب بعد از اتمام کتاب *البدایة و النهایة* و در واقع، در خاتمه آن کتاب آمده است و در دو جلد مستقل چاپ شده<sup>۱۰۰</sup> و شامل مباحثی در فتن و

*المهدی*، نوشته  
ابوالفداء اسماعیل  
بن عمر بن کنیر  
(متولد ۷۷۴ قمری):  
ابن کنیر در کتاب *الفتن  
و الملاحم* خود اشاره  
کرده که من رساله‌ای  
در پیرامون حضرت  
مهدی نوشته‌ام.<sup>۹۹</sup>  
از ابن کنیر، پنج کتاب  
در این موضوع ثبت  
شده است. نسخه  
بعضی از آنها وجود  
دارد

ملاحم در آخر زمان است؛<sup>۱۰۱</sup>

۲۷. *النهائية الفتن و احوال آخر الزمان*: این کتاب تلخیص دو مجلد *النهائية و البداية* در یک جلد به شمار می‌رود که شیخ محمد احمد بن عبدالعزیز از معاصران آن را خلاصه کرده است؛<sup>۱۰۲</sup>

۲۸. *الفتن و الملاحم الواقعة فی آخر الزمان*: گویا این کتاب همان *النهائية فی البداية و النهاية* است؛ زیرا در بین تألیفات او از این کتاب جداگانه نام برده نشده است. هرچند در کتاب *جست و جوی قائم* آن را جدا نام برده است؛<sup>۱۰۴</sup>

۲۹. *رسالة فی المهدي*؛<sup>۱۰۵</sup>

۳۰. *جزء فی المهدي*: مؤلف در کتاب *النهائية* فصلی را به احادیث حضرت مهدی اختصاص داده و پس از نقل احادیث در این زمینه، جزوه‌ای از احادیث را نیز گرد آورده است؛<sup>۱۰۶</sup>

۳۱. *اشراط الساعة و امور الآخرة*: این کتاب که به امام مهدی، ظهور، نشانه‌های ظهور و ذکر حدیث می‌پردازد، به

کوشش محمد بن احمد کنعان، گزینش و چاپ شده است؛<sup>۱۰۷</sup>

۳۲. *طرق احادیث المهدي* (عربی)، نوشته حافظ ولی‌الدین ابوزرعه عراقی (متولّد ۸۲۶ قمری): این کتاب چاپ نشده است و در دست نیست؛<sup>۱۰۸</sup>

۳۳. *رسالة مهديه* (فارسی)، نوشته شاه نعمت‌الله ولی؛<sup>۱۰۹</sup> نورالدین نعمت‌الله ابن میرعبدالله در سال ۷۲۰ در حلب به دنیا آمد و بعد از سکونت در شهرهای مختلف، سرانجام در سال ۸۳۴ در کرمان درگذشت. وی حدود پانصد رساله در موضوع تصوف نگاشته و فرقه صوفیه نعمت‌اللهیه را به وی نسبت می‌دهند. این کتاب در سال ۱۳۴۳ در ضمن رسائل شاه نعمت ولی در تهران چاپ شد که البته بعدتر با عنوان *شاه ولی و دعوی مهدویت* با تحقیق حمید فرزام به چاپ رسید. این کتاب به زبان فارسی و توسط دانش‌گاه اصفهان در سال ۱۳۴۸ شمسی به چاپ رسیده است. دکتر جواد نوربخش کرمانی، رساله‌ای در چهار جلد نگاشته و در آن، همه آثار، رسائل و زندگی‌نامه شاه نعمت‌الله ولی را آورده است. دیوان چهار هزار بیتی شاه شهرت بسیاری دارد.

## نتیجه

علمای شیعه در این دوره به نگارش کتاب در موضوع مهدویت چندان نپرداخته‌اند و تنها کتاب مهم این دوره در مسئله مهدویت، *التشریف بالمنن* سید بن طاووس است. شاید مهم‌ترین دلیل نپرداختن به این موضوع، آرامش نسبی و موقعیت مطلوب مردم در این عصر باشد. این آرامش، در پی کم شدن فشارهای حکومت‌های سنی و گسترش مذهب تشیع بوده است.

افول فقه و فتوا در دوره پس از شیخ طوسی و شیعه شدن حکومت مغول و گسترش تشیع، نیاز مردم را به مباحث فقهی و کلامی افزایش داده بود. عالمان و فقیهان در هر دوره‌ای کوشیده‌اند به نیازهای شرعی و فکری مردم پاسخ دهند. از این رو، دانش‌مندان و حوزویان به نگارش کتاب و ایجاد دگرگونی در فقه و تدوین کتاب و مباحثات و مناظرات کلامی به خصوص در موضوع امامت علی می‌پرداخته‌اند.

نتیجه این تلاش‌ها تدوین مهم‌ترین و پربارترین کتاب‌ها در فقه و اصول و کلام بوده که امروزه هم از منابع مهم شیعه به شمار می‌روند. از سویی، در این دوره وجود مدعیان مهدویت در میان شیعیان و شهرهای شیعه‌نشین گزارش نشده است. ادعای مهدویت از مهم‌ترین عوامل پرداختن به مسئله مهدویت و نگارش کتاب در این زمینه بوده است.

در این دوره، وضعیت اهل تسنن برعکس بوده و حاکمان بر علمای اهل سنت و مردم بسیار فشار می‌آورده‌اند، به گونه‌ای که آنان انسجام خود را از دست داده بودند.

از این رو، آنان در این زمینه نسبت به شیعیان پرکارتر بوده‌اند. علل آن را در مشکلات مردم و مدعیان مهدویت در میان آنان می‌توان جست. در این دوره، پنج نفر از میان اهل تسنن در شهرهای سنی‌نشین، ادعای مهدویت کردند.<sup>۱۱۰</sup> این امر، مهم‌ترین عامل نگارش کتاب در این باره بوده است. علمای شیعه هفده کتاب و علمای عامه ۳۳ کتاب در این دوره به رشته تحریر درآورده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

- \* پژوهشگر و مدیر گروه تاریخ پژوهشکده مهدویت
۱. یاقوت حموی بغدادی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۲۹۴، بیروت ۱۳۹۹ قمری.
  ۲. شیخ یوسف کرکوش حلّی، *تاریخ الحله*، ج ۱، ص ۲۲، چاپ اول: انتشارات شریف رضی، قم ۱۴۱۳ قمری.
  ۳. محمدباقر موسوی خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۶۵، چاپ اول: انتشارات الدار الاسلامیه، بیروت ۱۴۱۱ قمری.
  ۴. *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۲۱۴؛ *تاریخ الحله*، ج ۱، ص ۲۲؛ رسول جعفریان، *مقالات تاریخی*، ص ۱۶۶، چاپ اول: انتشارات دلیل، قم ۱۳۷۹ شمسی.
  ۵. علامه حلّی، *کشف الیقین*، ص ۸۰، چاپ اول: مؤسسه چاپ و انتشارات ۱۴۱۱ قمری؛ محمدحسن امانی، *سیمای حله*، ص ۲۸، چاپ اول: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ شمسی.
  ۶. عبدالعلی محمدی، *سید بن طاووس در عرصه علم و عمل*، ص ۷۳، چاپ اول: انتشارات نصاب، ۱۳۸۰ شمسی.
  ۷. رضا استادی، *احوال و آثار محقق حلّی*، ص ۶۸، چاپ اول: انتشارات قدس، ۱۳۸۳ شمسی.
  ۸. ابوالقاسم گرجی، *تاریخ فقه و فقهها*، ص ۲۲۲، چاپ اول: نشر سمت، ۱۳۷۵ شمسی.
  ۹. مسعود پورسیدآقایی و دیگران، *تاریخ عصر غیبت*، ص ۴۱۵، چاپ دوم: انتشارات حضور، ۱۳۸۳ شمسی.
  ۱۰. *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۸۳.
  ۱۱. *تاریخ عصر غیبت*، ص ۴۰۸.
  ۱۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع*، ج ۲، ص ۷۹۹، چاپ اول: انتشارات انصاریان، قم ۱۳۷۵ شمسی.
  ۱۳. *سید بن طاووس در عرصه علم و عمل*، ص ۸۲.
  ۱۴. *سیمای حله*، ص ۱۴۱.
  ۱۵. آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۱۸، ص ۶۰۲، چاپ سوم: انتشارات دارالاضواء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
  ۱۶. *سیمای حله*، ص ۱۱۷.
  ۱۷. مهدی‌پور، *کتاب‌نامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۶۰۲، چاپ اول: انتشارات الهادی، قم ۱۳۷۵ شمسی.
  ۱۸. *الذریعة*، ج ۱۶، ص ۷۵.
  ۱۹. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۵۰۲، چاپ سوم: انتشارات اعلمی، بیروت ۱۳۹۰ قمری.
  ۲۰. *کتاب‌نامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۲۲۴.
  ۲۱. *سید بن طاووس در عرصه علم و عمل*، ص ۸۲.
  ۲۲. گلبرگ اتابک، *کتاب‌خانه ابن طاووس*، ص ۱۰۴، مترجم رسول جعفریان و علی قرائی، چاپ اول: انتشارات کتاب‌خانه آیه‌الله مرعشی نجفی، قم ۱۳۷۱ شمسی.
  ۲۳. *سید بن طاووس، الملاحم و الفتن* (فتنه و آشوب‌های آخرالزمان)، ص ۱۴۱، ترجمه محمدجواد نجفی، چاپ اول: انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۰ شمسی.
  ۲۴. عبدالله افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۳، ص ۱۸۱، چاپ اول: انتشارات خیام، قم ۱۴۰۱ قمری.
  ۲۵. *الملاحم و الفتن*، متن کتاب و مقدمه کتاب.
  ۲۶. ابن طاووس، *التشریف بالمتن فی التعریف بالفتن*، چاپ اول: انتشارات مؤسسه صاحب‌الزمان، اصفهان ۱۴۱۶ قمری.
  ۲۷. *سید بن طاووس، کشف المحجّة*، ص ۲۲۹، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، چاپ اول: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ شمسی.
  ۲۸. *مرجع مهدویت*، ص ۲۸.
  ۲۹. *کتاب‌نامه ابن طاووس*، ص ۶۶.
  ۳۰. *کتاب‌نامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۳۴۱.
  ۳۱. محمدعلی مدرسی، *ریحانة الادب*، ج ۲، ص ۱۷۴، چاپ سوم: انتشارات خیام، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
  ۳۲. *الذریعة*، ج ۲، ص ۴۴۲.
  ۳۳. *کتاب‌نامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۶۸۴.
  ۳۴. *الذریعة*، ج ۱۶، ص ۱۷.
  ۳۵. علی دوانی، *مفاخر اسلام*، ج ۴، ص ۲۴۰، چاپ اول: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ شمسی.
  ۳۶. *ریحانة الادب*، ج ۴، ص ۱۷۸.
  ۳۷. *الذریعة*، ج ۱۶، ص ۳۴۳.
  ۳۸. همان، ج ۵، ص ۱۰۵.
  ۳۹. سیدجعفر مرتضی عاملی، *جزیره خضرا در ترازوی نقد*، ص ۱۶۱، چاپ چهارم: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ شمسی.
  ۴۰. همان، ص ۱۹۴.
  ۴۱. شیخ حر عاملی، *امل‌الامل*، ج ۲، ص ۱۹۲، انتشارات مکتبه الأندلس، بغداد ۱۳۸۵ قمری.

۴۲. *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۸۶.
۴۳. علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۷۰، چاپ اول: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۴۴. *ریحانة الادب*، ج ۱، ص ۲۹۴.
۴۵. *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۳۵.
۴۶. *الذریعة*، ج ۱، ص ۱۶۳؛ *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۳۷۶.
۴۷. *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۳۵؛ *ریحانة الادب*، ج ۲، ص ۴۱۶.
۴۸. *تاریخ حله*، ج ۱، ص ۱۰۶.
۴۹. *سیمای حله*، ص ۷۷.
۵۰. *الذریعة*، ج ۱، ص ۳۰۶.
۵۱. ابن کثیر، *سیرة النبوة*، ج ۱، (مقدمه کتاب در بخش حیات مؤلف)، چاپ سوم: انتشارات دارالرائد، بیروت ۱۴۰۷ قمری.
۵۲. ابن حجر عسقلانی، *الدرر الكامنة فی اعیان المنة الثامنة*، ص ۱۲۱، چاپ دوم: انتشارات دائرة المعارف عثمانیه، ۱۹۷۲ میلادی.
۵۳. ابن تفری بردی، *الزاهرة*، ج ۶، ص ۱۸۵، قاهره.
۵۴. اسماعیل پاشا، *هدیة العارفين*، ج ۲، ص ۱۲، چاپ اول: انتشارات دار احیای بیروت، ۱۹۵۱ میلادی.
۵۵. همان، ص ۲۴.
۵۶. همان، ج ۲، ص ۱۲۱.
۵۷. سیدمجید یورطاطبایی، *در جستوجوی قائم*، ردیف «ر»، چاپ اول: انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۷۰ شمسی.
۵۸. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۳۱.
۵۹. *در جستوجوی قائم*، ردیف «ع».
۶۰. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۷۵.
۶۱. همان، ص ۵۲۹.
۶۲. عزالدین نسخی، *الانسان الكامل*، ص ۳۱۳ - ۳۲۰، چاپ تهران.
۶۳. *در جستوجوی قائم*، ص ۲۶.
۶۴. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۱۸۹.
۶۵. ابن حجر عسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۹، ص ۵۳۶، چاپ اول: انتشارات حیدرآباد، دکن ۱۳۲۶ قمری.
۶۶. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۱۸۹.
۶۷. همان.
۶۸. همان، ج ۱، ص ۳۲۰.
۶۹. خیرالدین زرکلی، *الاعلام*، ج ۱، ص ۳۴۲، چاپ پنجم: انتشارات دارالعلم، بیروت ۱۹۸۰ میلادی.
۷۰. *الاعلام*، ج ۹، ص ۵۳۶.
۷۱. پایگاه اطلاع رسانی سراسری (پارسا)، *مرجع مهدویت*، ص ۴۱، چاپ اول: بنیاد فرهنگی موعود، ۱۳۸۲ شمسی.
۷۲. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۲۶.
۷۳. *الاعلام*، ج ۸، ص ۲۵۸.
۷۴. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۱۶.
۷۵. آقابزرگ طهرانی، *ذیل کشف الظنون*، ص ۶۴.
۷۶. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۱۶.
۷۷. عمر کهاله، *معجم المؤلفین*، ج ۱۳، ص ۳۴۳، انتشارات دارالاحیاء، بیروت، بی تا؛ *نذرات الذهب*، ج ۵، ص ۳۹۴؛ *الاعلام*، ج ۸، ص ۲۶۰.
۷۸. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۴۱.
۷۹. *الذریعة*، ج ۱، ص ۲۹۲.
۸۰. *در جستوجوی قائم*، ماده «ع».
۸۱. لطف الله صافی گلپایگانی، *مجموعه الرسائل*، ج ۱، ص ۱۰۴، چاپ اول: انتشارات مؤسسه بعثت، قم ۱۴۰۴ قمری.
۸۲. *در جستوجوی قائم*، زیر عنوان «م».
۸۳. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۴۱۶.
۸۴. مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۹۳۲، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۸۵. همان، ج ۱، ص ۹۰.
۸۶. همان، ص ۹۱.
۸۷. *الدرر الكامنة*، ج ۱، ص ۱۶۹.
۸۸. *در جستوجوی قائم*، زیر عنوان «ن».
۸۹. همان، زیر عنوان «ر».
۹۰. همان، زیر عنوان «ش».
۹۱. محمد بن جوزی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، ج ۱، ص ۷، چاپ اول: انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۰۷ قمری.
۹۲. *در جستوجوی قائم*، زیر عنوان «س».
۹۳. همان، زیر عنوان «م»: *الدرر الكامنة*، ج ۲، ص ۳۷.
۹۴. *در جستوجوی قائم*، زیر عنوان «م».
۹۵. همان، زیر عنوان «الف».
۹۶. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۲۸.
۹۷. *الدرر الكامنة*، ج ۱، ص ۳۷۴.
۹۸. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۵۲۸.
۹۹. همان، ص ۶۹۷.
۱۰۰. ابن کثیر، *تفسیر القرآن الکریم*، ص ۱۰، چاپ اول: انتشارات دارالمعرفه، بیروت ۱۹۹۲ میلادی.
۱۰۱. کارل بروکلمان، *تاریخ الادب العربی*، ج ۲، ص ۴۸، چاپ دوم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی، قم، بی تا.
۱۰۲. همان، ج ۲، ص ۷۶۱.
۱۰۳. *در جستوجوی قائم*، زیر عنوان «ف».
۱۰۴. همان، زیر عنوان «ف».
۱۰۵. *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۲، ص ۴۰۸.
۱۰۶. همان، ج ۱، ص ۳۱۷.
۱۰۷. *مرجع مهدویت*، ص ۳۸.
۱۰۸. یوسف بن تقوی بردی اتابکی، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۱۵، ص ۱۱۸، انتشارات مؤسسه مصریه، مصر، بی تا.
۱۰۹. *الذریعة*، ج ۹، ش ۶۸۹۵؛ *کتابنامه حضرت مهدی*، ج ۱، ص ۴۰۰.
۱۱۰. *تاریخ عصر غیبت*، ص ۴۰۸.